

## آداب و احکام ازدواج در دین هندویی\*

عبدالحسین لطیفی\*\*

### چکیده

این مقاله در قالب دو بخش کلی احکام و آداب تنظیم گردیده است: در بخش اول یعنی احکام ازدواج مقوله هایی همچون صحت عقد نکاح، روابط زناشویی، تکالیف زن و مرد نسبت به یکدیگر، محرّمات مربوط به ازدواج و زنا مورد بررسی قرار گرفته است. از آنجا که ازدواج در همه ادیان از اهمیت زیادی برخوردار است، در دین هندویی نیز احکام مربوط به آن در شمار اولین و مهمترین احکام شرعی قرار می گیرد؛ چراکه ازدواج نقش تعیین کننده ای در وضعیت فردی و اجتماعی انسان ایفا و روابط افراد را در جامعه تنظیم می کند. بخش دوم نیز به آداب ازدواج اختصاص دارد و آداب و رسوم در دوره های مختلف مانند دوره وداها و دوره سوترها مورد بررسی قرار گرفته است. در این بخش مراسم مربوط به روز عروسی، خواستگاری و انتخاب روز فرخنده برای خواستگاری بررسی شده است.

### کلید واژه ها

احکام ازدواج، محرّمات ازدواج، کاست، ستی، زنا، مراسم خواستگاری

---

\* این مقاله بخشی از رساله دکتری نگارنده است که با عنوان « بررسی تطبیقی احکام و آداب ازدواج در ادیان هندوئی، مزدائی، یهودیت و مسیحیت » و به راهنمایی دکتر فتح الله مجتبیایی، در دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات تهران، تدوین و دفاع شده است.

\*\* عضو هیأت علمی واحد شهر ری، دانشگاه آزاد اسلامی

## احکام ازدواج

از آنجا که ازدواج در همه ادیان از اهمیت بسیار زیادی برخوردار است، احکام مربوط به آن نیز در شمار اولین و مهمترین احکام شرعی قرار می گیرد. بر این اساس، افراد به محرم و غیرمحرم، و نیز خویشاوند و غیرخویشاوند طبقه بندی می شوند و محدوده و چگونگی روابط ایشان تعریف می گردد. در قوانین مانو در زمینه احکام ازدواج آمده است:

« فرد باید متعهد باشد که مدت ۳۶ سال، یا نصف این مدت یا یک چهارم آن، و یا تا وقتی که به طور کامل ود/ها<sup>۱</sup> را فرا بگیرد، زیر نظر معلم به مطالعه سه ود/ بپردازد. شاگردی که سه ود/، یا دو یا یکی از آنها را بدون نقض قوانین شاگردی مطالعه کند، می تواند وارد نظام خانواده گردد. مردی که "دوباره متولد شده"<sup>۲</sup> است، می تواند پس از این که با اجازه استاد استحمام کرد و به خانه بازگشت، با زنی که از سلامت جسمی برخوردار است، ازدواج کند.»<sup>۳</sup>

"مرد دوباره متولد شده"، باید با دوشیزه‌ای که از لحاظ نسبی نه به خانواده پدر و نه به خانواده مادر تعلق دارد، ازدواج کند. چنین مردی در امر ازدواج باید از خانواده‌های زیر به دقت اجتناب ورزد؛ گرچه آن خانواده‌ها بسیار بزرگ و ثروتمند باشند و اسب و گوسفند و گله و دارایی‌هایی دیگری داشته باشند.

این خانواده‌ها عبارتند از:

- خانواده‌ای که از شعائر مقدس غافل باشد؛
- خانواده‌ای که فرزندان ذکور نداشته باشد؛
- خانواده‌ای که به مطالعه ود/ها نپردازد؛

### 1. Veda

۲. "مرد دوباره متولد شده" به عضو هریک از سه کاست بالای جامعه (برهمن، کشتریه، وایشیه) گفته می شود و دلیل آن این است که چنین فردی در چرخه تناسخ به مرتبه ای بالاتر صعود کرده است.

3. Cf. Buhler, George, *Sacred Laws of the Aryas, S B E*, vol.25, pp.74-5

- خانواده‌ای که اعضای آن بدنی پر مو داشته باشند؛
- خانواده‌ای که اعضای آن بواسیر داشته باشند؛
- خانواده‌ای که اعضای آن سیل داشته باشند؛
- خانواده‌ای که اعضای آن ضعف هاضمه داشته باشند؛
- خانواده‌ای که اعضای آن صرع داشته باشند؛
- خانواده‌ای که مبتلا به جذام باشند؛

چنین مردی نباید با دوشیزه سرخ‌مو، دوشیزه‌ای که دارای عضو زاید است یا دوشیزه بیمار، دوشیزه‌ای که بدنی بی‌مو یا پُرمو دارد، دوشیزه پُرگو یا چشم قرمز، ازدواج کند. چنین مردی نباید با دختری که دارای نام صور فلکی، درخت، رودخانه، کوه، پرنده و مار است، و یا دختری که نامش القاکننده ترس است، ازدواج کند. او باید با زنی ازدواج کند که از نظر جسمی بی‌عیب باشد، نام قابل قبولی داشته باشد، دندان‌هایش ریز، و دست و پایش لطیف باشد. اما مرد عاقل نباید با دوشیزه‌ای که برادر ندارد، یا پدر او مشخص نیست، ازدواج کند؛ چرا که در مورد اوّل این ترس وجود دارد که او دختر خوانده باشد و در مورد دوم، این نگرانی وجود دارد که پدر او مرتکب گناه شده باشد.<sup>1</sup>

توصیه می‌شود که "مردان دوباره متولد شده" با زنانی از طبقه خودشان ازدواج کنند. اما کسانی که بخواهند دوباره ازدواج کنند، می‌توانند از طبقه خود یا کاست‌های پایین‌تر از خود همسر اختیار کنند. البته بهتر آن است که از طبقات پایین‌تر انتخاب نکنند. حتی در داستان‌های کهن نیز هرگز گفته نشده است که مرد "برهمن" یا "کشتریه"، با آنکه ممکن است به شدت تنگدست باشد، اولین همسر خود را از طبقه "شودره" انتخاب کرده باشد. "مردان دوباره متولد شده" ای که با زنانی از طبقه پایین (شودره) ازدواج می‌کنند، خانواده و فرزندان خود را به

---

1. Buhler, George, op.cit., vol.25, pp.75-8

درجه "شودره‌ای" فروکاهش می‌دهند. طبق گفته اتری<sup>۱</sup> و گوتمه<sup>۲</sup>، کسی که با زن شودره ازدواج کند و صاحب فرزندی پسر شود، یا طبق نظر بهریگو<sup>۳</sup>، کسی که تنها از زن شودره خود صاحب فرزند ذکور گردد، در هر حال بی طبقه خواهد شد. برهمنی که با زنی از طبقه شودره همبستر گردد، پس از مرگ به قعر جهنم فرو خواهد رفت و در صورتی که از آن زن صاحب فرزند گردد، مرتبه برهمنی خود را از دست خواهد داد. ارواح نیاکان و خدایان پیشکش‌هایی را که چنین مردی به کمک همسر شودره خود تهیه کرده است، نمی‌پذیرند و چنین مردی وارد بهشت نخواهد شد. از کسی که لب بر لب زن شودره گذاشته و یا با نفس زن شودره آلوده شده و یا از آن زن صاحب فرزندی شده باشد، کفاره پذیرفته نخواهد شد.<sup>۴</sup>

پسر تولد یافته از زنی که طبق شعیره "برهمنه"<sup>۵</sup> ازدواج کرده است، در صورتی که کارهای شایسته‌ای انجام دهد، ده جد و ده نسل خویش و خود را نیز به عنوان فرد بیست‌ویکم از گناه رها کند. پسر تولد یافته از زنی که طبق شعیره "دایو"<sup>۶</sup> ازدواج کرده است، هفت جد و هفت نسل خود، پسر تولد یافته از زنی که طبق شعیره "پرجاپتیا"<sup>۷</sup> ازدواج کرده است، شش جد و شش نسل خود، و پسر تولد یافته از زنی که بر طبق شعیره "آرشه"<sup>۸</sup> ازدواج کرده است، سه جد و سه نسل خود را از گناه رها کند. از این چهار ازدواج، فرزندان که عالم به ود/، متصف به

1. Atri
2. Gautama
3. Bhrigu
4. Ibid., p.79

۵. Brahmana - تقدیم دختر پس از آراستن وی با جامه های گران قیمت و جواهرات قیمتی از سوی پدر دختر به فردی که ود/ها و رفتار نیکو را آموخته شعیره برهمنه نامیده می شود.

۶. Daiva - تقدیم دختر توسط پدرش به روحانی مسئول قربانی گزاری هایش، شعیره دایوه نامیده می شود.

۷. Prajāpatia - دختر را به این شرط به داماد بدهند که همواره خود را مکلف به دهرمه بدانند.

۸. Arshā - اینکه پدر طبق شریعت، دختر خود را به داماد دهد، و از طرف داماد به منظور اجرای کامل شرع مقدس یک گاو ماده و یک گاو نر، و یا یک جفت از هر دو دریافت کند، شعیره آرشه نامیده می شود.

صفات خوب، دارای ثروت و شهرت، و بسیار پرهیزگارند که صد سال زندگی خواهند کرد، به وجود می آیند. اما از چهار ازدواج دیگر، پسرانی متولد می شوند که ظالم، گوینده سخن ناحق، و متنفر از ود/ و شرع مقدسند. فرد باید از این گونه ازدواج‌ها پرهیز کند.<sup>۱</sup>

مسئله مهم دیگری که باید رعایت شود این است که، مرد باید تحت آزمایش‌هایی جهت اثبات قوه مردانگی قرار گیرد و در صورت اثبات این توانایی، می‌تواند دوشیزه‌ای را به همسری اختیار کند. تشخیص ناتوانی جنسی و انواع آن، به واسطه حکما و بر اساس روش‌های عملی صورت می‌گیرد. بر این اساس، این ناتوانایی‌ها به دو دسته قابل درمان و غیرقابل درمان تقسیم می‌شوند. این ناتوانایی‌ها علل مختلفی دارند که عبارتند از: ناتوانی طبیعی، بریده شدن بیضه‌ها، نفرین معلم، بیماری، خشم خدایان، و حسادت. اگر مردی در برابر زن دیگری توانا اما در مقابل همسر خود ناتوان باشد، باید با زن دیگری ازدواج کند.<sup>۲</sup>

**شرایط عقد نکاح:** در احکام مربوط به ازدواج، مسئله سن مناسب ازدواج به ویژه درباره دختران، از اهمیت زیادی برخوردار است. در ریگ ود/<sup>۳</sup>، اشاراتی وجود دارد که نشان می‌دهد دختران در سن بلوغ ازدواج می‌کردند. ایشان برای انتخاب شوهر خود باید به اندازه کافی رشد می‌یافتند. در عین حال در ریگ ود/ اشاراتی که بر ازدواج دختران در خردسالی دلالت می‌کند، نیز وجود دارد. در ریگ ود/ آمده است که سن داماد برای ازدواج ۱۸ و سن عروس ۱۶ است.<sup>۴</sup> ازدواج دختران خردسال در متون سنسکریت کلاسیک به تدریج مطرح و بیشتر در میان طبقات بالای جامعه رایج شد.<sup>۵</sup> در گرهیه سوتره‌ها<sup>۶</sup> و سوتره‌های اولیه اشاراتی زیادی گواه بر

1. Ibid., pp.82-3

2. Cf. Chatterjee Nath, Krishna, *Hindu Marriage- Past and Present*, p.247

3. *Rig Veda*

4. Cf. Raghunatha, R. Rao, *The Aryan Marriage*, p.121

5. Cf. Jolly, Julius, *The Minor Law Book, S B E*, Part 1, vol.33, p.739

6. *Graha- sūtra*

ازدواج دختران در سنّ خردسالی وجود دارد. در گرهیه سوتره‌ها، دختر خردسال بهترین نوع عروس خوانده شده است. در گوتمه دهرمه سوتره<sup>۱</sup> می‌بینیم که حدّ سنّ ازدواج برای دختر پایین آورده شده است. مانو<sup>۲</sup> توصیه می‌کند که دختر در صورت عدم وجود خواستگاری مناسب، می‌تواند تا نوجوانی صبر کند، اما اگر به سنّ نوجوانی رسید، دیگر نباید بیش از آن صبر کند و حتی اگر مرد مناسبی یافت نشد، باید با مرد فاقد شرایط، ازدواج کند. بودایانا<sup>۳</sup> نیز چنین عقیده دارد. او همچنین می‌گوید: «اگر پدر و مادر یا سرپرستان دختری پس از رسیدن او به سنّ بلوغ، او را به شوهر ندهند، آن دختر خود می‌تواند پس از سپری شدن سه دورهٔ ماهانه، اقدام به ازدواج کند.»<sup>۴</sup> دهرمه سوتره‌ها نیز می‌گویند پدر باید دختر خود را پیش از رسیدن به سنّ بلوغ شوهر دهد. اما این مسأله که آیا در زمان نوشته شدن این آثار ازدواج با دختران خردسال رایج بوده یا نه، محل تردید است.

در مانوسمهتیه<sup>۵</sup> آمده است که مرد ۳۰ ساله باید با دختر ۱۲ ساله و مرد ۲۴ ساله باید با دختر ۸ ساله ازدواج کند. در مه‌بهارته گفته شده است که مرد ۳۰ ساله باید با دختر ۱۰ ساله و مرد ۲۱ ساله باید با دختر ۷ ساله ازدواج کند. در وایکانه سوتره<sup>۶</sup> آمده است که مرد برهنه باید با دختر "نگنیکا"<sup>۷</sup> یا "کلی"<sup>۸</sup> ازدواج کند. در اینجا منظور از "نگنیکا" دختری است که بین ۸ تا ۱۰ سال سن داشته باشد و مقصود از "کلی"، دختری است که بین ۱۰ تا ۱۲ سال سن داشته باشد و هنوز دورهٔ قاعدگی خود را تجربه نکرده باشد. برطبق متون برهنه‌های همزمان با دورهٔ اولیهٔ مسیحیت، پدر از این که دختر خود را در سنّ ۱۰ تا ۱۲ سالگی شوهر داده است،

- 
1. *Dharmasutra*
  2. *Manu*
  3. *Buddhayana*
  4. Chatterjee Nath, Krishna, op.cit., pp.248-50
  5. *Munu samhita*
  6. *Vaikana sutra*
  7. *negnika*
  8. *koli*

احساس خوشحالی می‌کرده است. اما همین متون می‌گویند دختر پس از رسیدن به سن بلوغ باید صبر کند و پس از این دوره، پدر موظف است که همسری برای وی پیدا کند؛ در غیر این صورت، پدر یا سرپرستان وی مسئول گناه اویند. البته عکس این مطلب نیز در این متون وجود دارد. براین اساس، اگر مردی با شرایط مناسب یافت نشود، دختر بهتر است تا مرگ در خانه پدر خویش باقی بماند. در کامه سوتره<sup>۱</sup>، که در همین دوره نوشته شده، آمده است که دختر باید دست‌کم سه سال از شوهر خود کوچکتر باشد. بر این اساس، می‌توان نتیجه گرفت که در این دوره، سن مطلوب ازدواج برای دختر، حداقل سن بلوغ است. بودایانه نیز چنین عقیده‌ای دارد.<sup>۲</sup>

مقارن میلاد مسیح، این مسأله که دختر چند ماه یا چند سال پیش یا پس از بلوغ ازدواج کند، اصلاً مسأله مهمی نبود. اما در حدود ۲۰۰ سال بعد از میلاد، مخالفت با ازدواج دختران پیش از سن بلوغ آغاز شد. دلایل این امر را می‌توان در تحولات روان‌شناختی و جامعه‌شناختی جامعه هند جستجو کرد. کشور هند در آن دوره دچار تحولات سریعی شد. این دوره در حقیقت دوره گذار بود و دین بودایی با دین هندویی و ایده‌آلهای آن در چالش بود و پس از این که آموزه بدبینی به دنیا گسترش پیدا کرد، توجه دین هندویی به خانواده بیشتر شد.<sup>۳</sup>

یکی از نتایج نهضت اصلاحی راجا رام موهان روی<sup>۴</sup> این بود که حداقلی برای سن ازدواج دختر و پسر تعیین شد. بر این اساس، پسرها پیش از ۱۸ سالگی و دخترها پیش از ۱۱ سالگی حق ازدواج نداشتند. در ۱۸۴۶، کمیسیون قانون‌گذاری ارتباط جنسی زن و شوهر پیش از سن قانونی را ممنوع دانست. در سال ۱۸۶۰،

1. *Kāma sutra*

2. Cf. Kapadia, K. M, *Marriage and Family in India*, pp.138-9; Buhler, George, op.cit., vol.14, pp.91-2/56; Brihaspati, Narada, *The Miner Book, S B E*, vol.30, p.170

3. Chatterjee Nath, Krishna, op.cit., pp.250-2

4. Raja Ram Mohan Roy

قانونی به تصویب رسید که بر اساس آن، برگزاری مراسم زفاف دربارهٔ دختر پایین‌تر از ۱۰ سال جرم تلقی شده است.<sup>۱</sup> در سال ۱۸۹۱ در بنگال قانونی گذرانده شد که بر اساس آن، ازدواجی که سن هر یک از طرفین آن پایین‌تر از ۱۲ سال باشد، باطل اعلام شد. حکومت ایالت میسور طی قانونی در سال ۱۸۹۴، ازدواج دختر پیش از ۹ سالگی و پسر پیش از ۱۸ سالگی را ممنوع اعلام کرد. همین ایالت در ۱۹۱۸، طی قانونی حداقل سن پسر برای ازدواج را ۱۴ و حداقل سن دختر را ۱۲ سال مشخص کرد. در سال ۱۹۲۹، پسر زیر سن ۱۸ و دختر زیر سن ۱۴ کودک قلمداد شدند. در سال ۱۹۵۵، حداقل سن دختر برای ازدواج ۱۵ سال تعیین شد.<sup>۲</sup> سلامت عقلانی و جسمانی طرفین و نیز داشتن دین مشترک از دیگر شرایط عقد ازدواج است.

**احکام زناشویی:** در آئین هندوئی، تولید نسل به کاشتن بذر در زمین تشبیه شده است.<sup>۳</sup> همان‌گونه که در زراعت، بذریاشی فصل خاصی دارد، همبستری به منظور تولید نسل نیز موسم خاصی دارد و تا شانزده شب پس از به پایان رسیدن دورهٔ قاعدگی ادامه می‌یابد. از آنجا که در هفت روز اول و دو روز یازده و سیزده از این شانزده روز نزدیکی جایز نیست، تنها هفت روز برای این کار باقی می‌ماند.<sup>۴</sup> اگر مردی در دورهٔ مجاز ماه با همسر خود نزدیکی نکند و این کار را در شبهای بدر و هلال انجام دهد و یا به خاطر بیماری همسرش با وی نزدیکی نکند، باید سه روز روزه بگیرد.<sup>۵</sup> اگر مرد در موسم مقرر با همسر خود همبستر شود و همواره از او بهره‌مند گردد، او نیز باید در جهت خشنود کردن همسر خود بکوشد.

1. Kapadia, K. M., op.cit., p.151

2. Idem., p.147

3 Raghuntha, R. Rao, op.cit., p.199

4. Idem., p.202-4

5. Cf. Jolly, Julius, *The Institutions of Visnu, S B E*, vol.30, p.176



نطفهٔ پسران در شب‌های مجاز و نطفهٔ دختران در شب‌های حرام بسته می‌شود. بنابراین، مردی که بخواهد صاحب فرزند پسر شود، باید در موسم زنان یعنی در شب‌های مجاز با وی همبستر شود. پسر از غلبهٔ نطفهٔ مرد و دختر از غلبهٔ نطفهٔ زن به وجود می‌آید. اگر هر دو نطفه برابر باشند، فرزند دو جنسه و یا دوقلو می‌شود و چنانچه هر دو نطفه ضعیف یا ناقص باشند، ناباروری روی می‌دهد.<sup>۱</sup> همبستری باید در جای خلوت و دور از چشم دیگران انجام شود؛ چرا که تمرکز زن و شوهر نباید مختل شود. ایشان در طی این عمل باید ویژگی‌های فرزند خود و هر آنچه را که در زندگی به او ارتباط پیدا می‌کند، تصور کنند. در آن هنگام، آنان باید نیکو بیاندیشند و با یکدیگر به طور خوشایندی سخن بگویند.<sup>۲</sup> آپستمبه<sup>۳</sup> می‌گوید: «مرد نباید در طول روز با همسر خود همبستری کند. او باید در زمان‌های مناسب و یا در صورت درخواست همسر خود، آن هم با رعایت محدودیت‌های شرعی، چنین کاری را انجام دهد.»<sup>۴</sup> در ود/ها آمده است نهایت بی‌خردی است که مرد به لذت جنسی پردازد، او در طی شب فقط یکبار باید نزدیکی کند.<sup>۵</sup> در گوتمه فصل ۹ آمده است که مرد پس از همبستری باید غسل کند. او هنگامی که با همسر خود در یک بستر می‌خوابد، نباید به خواندن ود/ پردازد و اگر در نیمه شب به مطالعهٔ ود/ پرداخت، نباید دوباره به بستر بازگردد. اگر زن، بیمار و یا در حال گذراندن دورهٔ قاعدگی خود باشد، مرد نباید با وی همبستر شود. در چنین شرایطی او حتی نباید به همسر خود نزدیک شود و به او نگاه کند.<sup>۶</sup> گوتمه<sup>۷</sup> در فصل ۲۴ می‌گوید: «اگر مردی با زنی در دورهٔ قاعدگی ارتباط برقرار کند، باید به مدت سه شبانه‌روز ریاضت بکشد

- 
1. Buhler, George, op.cit., pp.83-4
  2. Raghunatha, R. Rao, op.cit., p.208
  3. Apastamba
  4. Buhler, George, op.cit., vol.2, part 2, p.102
  5. Raghunatha, R. Rao, op.cit., p.210
  6. Buhler, George, op.cit., pp.221-2
  7. Gautama

و مراسم قربانی‌گزاری انجام دهد.<sup>۱</sup> در گرهیه‌سوتره آمده است که مرد پس از نزدیکی باید غسل کند یا دست کم خود را بشوید. اگر مردی در زندگی، خودنگهدار باشد، عمری طولانی همراه با تندرستی خواهد یافت. اما اگر به دنبال لذایذ نفسانی باشد، به انواع بیماری‌ها مبتلا می‌شود و از فرزندان سالم و قوی برخوردار نمی‌گردد.<sup>۲</sup>

بودایانا در فصل ۱۹ می‌گوید: «پس از انقضای دوره قاعدگی، مرد می‌تواند با زن خود همبستر شود و پس از آن دعا کند که فرزندشان پسر شود.»<sup>۳</sup>

**احکام بارداری:** کادیره<sup>۴</sup> در فصل ۶ می‌گوید: «در ماه سوم از نخستین بارداری، زن باید قربانی‌گزاری کند و این عمل به منظور سلامت فرزند در هنگام تولد انجام می‌پذیرد. در این مراسم، پس از این که زن غسل کرد، شوهر وی به او جامه‌ای نو می‌دهد که هنوز شسته نشده است. سپس، مرد پشت سر زن می‌ایستند و موهای او را می‌برد. در ماه چهارم یا ششم بارداری نیز شبیه همین مراسم انجام می‌شود.»<sup>۵</sup> در فصل ۲۲ *سانکهایه یانه*<sup>۶</sup> آمده است که در ماه هفتم حاملگی، زن پس از این که غسل کرد و جامه‌ای را که هنوز شسته نشده است پوشید، شوهر وی از او می‌خواهد که در برابر آتش بنشیند. سپس مرد در حالی که دست در دست همسر خود دارد، قربانی خود را، یعنی غذایی (معمولاً برنج) را که پخته است، به آتش تقدیم می‌کند.<sup>۷</sup> زن در دوره بارداری و شیردهی، باید از ارتباط جنسی بپرهیزد. ارتباط جنسی در دوره بارداری، عامل اختلال است و در سلامت و رشد جنین تأثیر

---

1. Ibid., p.291

2. Raghunatha, R. Rao, op.cit., p.210

3. Cf. Oldenberg, Herman, *The Grahya Sutras, S B E*, vol.29, p.45

4. Kādīra

5. Ibid., pp.385/393-4

6. *Sāṅkhayāna*

7. Ibid., p.47

منفی دارد. زن باردار باید مواظب تغذیه خود و جنین باشد. در این دوره، وی نباید به کار سخت پردازد و البته از تنبلی نیز باید بپرهیزد.<sup>۱</sup>

**تکالیف زن و شوهر:** نائل آمدن به دهرمه، از مسائل مهم زندگی مشترک است. زن و شوهر هر دو، باید درصدد ساختن یک زندگی پاک و معنوی باشند و باید از هر چیزی که "کوشه‌های" ایشان را ناپاک می‌سازد اجتناب کنند. ایشان باید از خوردن گوشت، نوشیدن مسکرات، و استعمال مواد مخدر پرهیز کنند.<sup>۳</sup>

در مانو آمده است که زنان شب و روز باید در اختیار و وابسته به همسران خود باشند، از این رو، در صورت تمایل مردان برای داشتن ارتباط جسمانی، باید خود را در اختیار ایشان قرار دهند. زنان باید خود را در برابر تمایلات پلید - هر چند جزئی - حفظ کنند؛ چرا که در غیر این صورت، باعث صدمه وارد آمدن به خانواده می‌گردند. بالاترین وظیفه هر مرد، حتی مرد ضعیف در هر کاستی، حفاظت از همسر خویش است. کسی که به خوبی از همسر خود محافظت کند، در حقیقت از پاکی و طهارت فرزندان، رفتار پرهیزگاران، خانواده، و لوازم فراهم کننده شایستگی خود حفاظت کرده است. هیچ مردی نمی‌تواند به زور از زنی حفاظت کامل کند، اما می‌تواند با عوامل تشویقی این کار را انجام دهد. برای مثال: مرد از زن خود در جمع‌آوری و نگهداری ثروت، نظافت اشیاء، انجام تکالیف دینی و تهیه غذا کمک بگیرد.<sup>۴</sup> مرد تاجر تنها پس از تأمین هزینه و نفقه زن می‌تواند از خانه بیرون رود، چرا که یک زن حتی اگر پرهیزکار باشد، ممکن است به خاطر رفع نیازهای اولیه دچار فساد گردد.<sup>۵</sup> براساس نظر کوتیلیه<sup>۶</sup>، زن می‌تواند از شوهر خود نفقه دریافت کند، اما اگر بخواهد که از حمایت یکی از اعضای خانواده شوهر برخوردار

1. Raghunatha, R. Rao, op.cit., pp.214-5

۲. عناصر و مؤلفه‌های وجودی انسان

3. Idem., p.197

4. Buhler, George, op.cit., vol.25, p.327

5. Ibid., p.340

6. Kutiliya

گردد و یا به صورت مستقل زندگی کند، شوهر موظف به پرداخت نفقه نخواهد بود.<sup>۱</sup> اگر مردی برای انجام امر مقدسی از خانه بیرون رود، زن باید به مدت هشت سال در انتظار او بماند. اگر به منظور کسب علم یا شهرت سفر کند، زن باید شش سال در انتظار او باشد، و اگر در طلب لذات مسافرت کند، همسرش باید به مدت سه سال منتظر او باشد.

نوشیدن مسکرات، ارتباط با افراد شرور، جدایی از شوهر، بی‌هدف پرسه‌زدن در بیرون از خانه، خوابیدن در ساعات نامناسب و ماندن در خانهٔ یک مرد دیگر علل ششگانهٔ تباهی زن محسوب می‌شوند. زنان از طریق عشو و نرمش در برابر مردان بیگانه، خائن به شوهران خود تلقی می‌شوند. از این رو مرد با لحاظ این امر که این خوی را خداوند در فطرت زن به ودیعه نهاده است، باید به شدت از همسرش حفاظت کند.<sup>۲</sup> زن نیز حق اقامت در خانه‌ای غیر از خانهٔ پدر یا شوهر یا فرزند خود را ندارد.

زن در تولیدنسل، تربیت فرزندان و ادارهٔ زندگی روزمره، شریک مرد است. تولیدنسل، انجام صحیح مناسک، عبادت مقبول و سعادت زناشویی به زن بستگی دارد. زنی که بر پندار، گفتار و رفتار خود تسلط دارد و وظایف خود را نسبت به همسر خویش خوب انجام دهد، یک زن پارسا تلقی می‌شود. اما زن به واسطهٔ خیانت به همسر خود باید ملامت شود، همچنین، چنین زنی در زندگی آینده‌اش در رحم شغال قرار می‌گیرد و از آن زاده می‌شود و به بیماری‌های گوناگونی دچار می‌گردد.<sup>۳</sup>

از جمله تکالیف دیگر زن برخاستن جلوی پای دیگران، احترام گذاشتن به بزرگان خانواده، تدارک دیدن غذا و استفاده از نشیمنگاه و بستر پایین‌تر است. زن

---

1. Cf. Sengupta, Nilakshi, *Evelusion of Hindo Marriage*, p.160

2. Lok.cit.

3. Lok.cit.

خوب باید چنان خود را وقف شوهر کند که مصیبت شوهر، مصیبت وی و خشنودی شوهر، خوشنودی وی به حساب آید؛ هنگام غیبت شوهر آرام و خاموش باشد و با مرگ وی بمیرد. زن نباید در هنگام غیبت شوهر، خود را بیاراید، برقصد، آواز بخواند یا در جشن‌ها و اجتماعات شرکت کند. او باید از خوردن گوشت پرهیزد. زنی که پرهیزکاری و نیک‌اندیشی پیشه کند، حتی اگر فرزندی نداشته باشد به بهشت می‌رود. زن، نیمه شوهر محسوب می‌شود و در اعمال نیک با وی سهیم است و می‌تواند زمینه سعادتی او را در آن جهان فراهم کند. یکی از راه‌های این کار این است که زن به منظور تولید نسل برای شوهر متوفای خود، با برادر وی ازدواج کند.<sup>۱</sup>

اما بخشی از تکالیف زناشویی، مربوط به پس از مرگ یکی از طرفین می‌شود که در این باره بیشتر بر وظایف زن پس از مرگ شوهر تأکید شده است. مهمترین وظیفه شوهر پس از مرگ زن، برگزاری مراسم تدفین برای اوست.

اما در مورد وظایف زن پس از مرگ شوهر، بودایانا می‌گوید: « زن پس از مرگ شوهر خود باید از خوردن گوشت، نمک، عسل و نوشیدن شراب خودداری کند، بر روی زمین بخوابد، و در صورتی که پسر نداشته باشد، باید از طریق "نیوگ شدن"<sup>۲</sup> جبران کند.» ویسیشته نیز چنین نظری دارد. در حقیقت، نظر مانو در این باره تقریباً در همه متون سوتره‌ای تکرار شده است. زنی که بیوه شده است، بهتر است به خواست خود از طریق تغذیه از گلها، ریشه‌های گیاهان و میوه‌ها، بدن خود را نحیف سازد و نباید نام هیچ مرد بیگانه‌ای را بر زبان بیاورد. وی تا پایان مرگ باید بر پیمان خود باقی بماند و تجرد اختیار کند، و چنان رفتار کند که از یک

1. Jolly, Julius, op.cit., pp.367-8

۲. nioga: زنی که با برادر شوهر متوفی خود ازدواج می‌کند.

زن نسبت به شوهر خود انتظار می‌رود. زن بیوه اگر چنین کند، حتی اگر پسر نداشته باشد، به بهشت می‌رود. برهسپتی<sup>۱</sup> نیز به چنین وظایفی برای زن بیوه قائل است.<sup>۲</sup>

"ستی"<sup>۳</sup> نخستین جایی که در آن به ستی یا خودسوزی بیوه اشاره شده است، در ویشنودهرمه سوتره است. مهمترین تکلیف زن پس از مرگ شوهر، به ویژه در دوره‌هایی که ازدواج مجدد زن بیوه معمول نبوده، انجام ستی است. این رسم در بعضی دوره‌ها، از جمله دوره پیش از ود/ها به شکل عملی برگزار می‌شد؛ اما در بعضی دوره‌های دیگر مانند دوره ود/یی، شکلی نمادین به خود گرفت.<sup>۴</sup>

یکی از دلایل انجام ستی، این عقیده بود که زن وجود مستقل ندارد و تنها در کنار شوهر معنای وجودی پیدا می‌کند. بر این اساس، زن با مرگ شوهر، فلسفه وجودی خود را از دست می‌دهد و از این رو، زیستن پس از مرگ شوهر برای او وجهی ندارد. دلیل دیگر انجام ستی این است که رستگاری زن در گرو همراهی با شوهر است، بنابراین، زن با انجام ستی پایبندی خود را به این ملازمت نشان می‌دهد و زمینه رستگاری خویش را فراهم می‌آورد. در ویشنودهرمه سوتره آمده است که زن پس از مرگ شوهر، یا باید تجرد اختیار کند یا به دنبال شوهر خود برود، یعنی بمیرد. مانو درباره ستی سخنی به میان نمی‌آورد. در مهابهارتیه چندین بار به این مسأله اشاره شده است. اسولایانه<sup>۵</sup> که از گوتمه و مانو متأخرتر است، این عبارت را چنین تفسیر می‌کند که بیوه برهنه نباید در مراسمی جداگانه عمل ستی را انجام دهد؛ یعنی او باید در مراسم تدفین شوهر خود چنین کاری بکند. در مهابهارتیه با این که در چند مورد به عمل ستی اشاره شده است، اما از انجام ستی توسط بیوه

---

1. *Brhaspati*

2. Chatterjee Nath, Krishna, op.cit., p.305

۳. sati : خود سوزی زن پس از مرگ شوهر

4. Idem., p.285

5. Esvalāyāna

زنان کاست برهمن یا کشتریه سخنی به میان نمی‌آید.<sup>۱</sup> نویسندگان متأخرتر مانند اپرارکه<sup>۲</sup> و مدهوه<sup>۳</sup> دیدگاه متاتیتی<sup>۴</sup> را رد کرده و گفته اند که *متره‌ای ود‌یی* در تأیید این رسم وجود دارد و این سنت در تضاد با متون شروتی<sup>۵</sup> نیست. در ادبیات سنسکریت کلاسیک مانند: *کوماراسان بابا*<sup>۶</sup> و *برهسپتی*<sup>۷</sup>، اشارات متعددی به رسم ستی شده است. *راگوناندانا*<sup>۸</sup> نیز رواج این سنت را تأیید می‌کند.<sup>۹</sup>

رسم ستی در ریگ‌ودا/ به صورت نمادین انجام می‌شود. در این مراسم، همسر مرد متوفی در کنار جسد شوهر خود بر روی پشته هیزم می‌خوابد. در آنجا به او گفته می‌شد همین که تو تا دروازه‌های مرگ به دنبال شوهر خود رفته‌ای، آن چه که از تو انتظار می‌رود، انجام داده‌ای، لذا بازگرد. او با این کار، وفاداری و عشق خود را به همسر خویش حتی پس از مرگ نشان می‌دهد. درحقیقت، هیچ یک از دهرمه‌سوتره‌های اولیه و یا متأخر به انجام این رسم به صورت عملی اشاره نمی‌کنند، و تنها در ویشنو دهرمه‌سوتره که احتمالاً پس از *مانو* نوشته شده، به این مراسم اشاره رفته است. *مانو* ازدواج مجدد زن و نیز "نیوگه" را محکوم می‌کند.<sup>۱۰</sup> از سال ۶۰۰ پیش از میلاد تا سال ۳۰۰ پیش از میلاد نیز سخن از خودسوزی حقیقی زن بیوه به میان نمی‌آید.

اسولایانه گرهیه‌سوتره<sup>۱۱</sup> توصیه می‌کند در مراسم قربانی‌گری که به مناسبت مرگ بزرگی برگزار می‌شود، زنان جوان خویشاوند باید چشمان خود را تدهین کنند.

1. Lok.cit
2. Aparārka
3. Madhva
4. Metatithi
5. śruti
6. *Kumārā sānbābā*
7. *Bṛhaspati*
8. *Rāgunāndānā*
9. Idem, pp.290-2
10. Idem, pp.293-5
11. *Svalāyāna Grahya-sutra*

آنگاه همسر مرد متوفی را در جهت شمالی پیکر قرار دهند. سپس، برادرشهر متوفی یا فردی دیگر مثلاً کنیزی سالخورده به نمایندگی از وی به او می‌گوید: «ای زن! من تو را به جهان زندگان می‌برم؛ تو در کنار همسر در گذشتهٔ خویش بخواب! همسری که دست تو را در دست خود نهاد و به تو عشق ورزید.» متتره‌ای دیگر در /تهروه ود/<sup>۱</sup> در این باره وجود دارد که می‌گوید: «ای مرد متوفی! این زن با انتخاب جهانی که تو در آن هستی، در کنار تو خوابیده است تا این رسم دیرینه را انجام دهد، در این جهان به او فرزند و ثروت عطا کن!» این عبارت نشان می‌دهد که زن پس از مرگ شوهر یا می‌تواند مجدداً ازدواج کند یا "نیوگه" گردد.<sup>۲</sup>

تا وقتی که ازدواج مجدد زن و "نیوگه" در جامعه معمول بود، دلیلی بر انجام عمل "ستی" وجود نداشت. در دوره‌های متأخر (دورهٔ بعد از دهرمه سوتره ها یا اواخر دهرمه سوتره ها) است که این رسم شکلی عملی به خود می‌گیرد.<sup>۳</sup> بر اساس مه‌بهارته، پس از مرگ شوهر، زن ممکن است اغفال شود و از آنجا که خلقت زن تنها به منظور تولیدنسل است و با مرگ شوهر این هدف منتفی می‌شود، پس باید سوزانده شود تا فرزندان نامشروع از وی به وجود نیایند. باید به خاطر داشته باشیم که در این دوره ازدواج مجدد و "نیوگا" شدن زن ممنوع شده بود. البته این امر مدت زیادی نپایید. زن بیوه که نه می‌توانست دوباره ازدواج کند و نه قادر بود "نیوگا" شود، تنها می‌توانست از راه پذیرفتن کودکی به فرزندخواندگی، از رسم ستی نجات یابد. این امر باعث شد که رسم ستی کمتر انجام شود.<sup>۴</sup>

دربارهٔ قوانین مربوط به ناپاکی عقاید متفاوتی وجود دارد. برخی بر این عقیده‌اند که دورهٔ ناپاکی باید به طور کامل رعایت شود و ستی باید یک روز پس از

1. *Atharava Veda*

2. *Idem.*, pp.293-5

3. *Lok.cit.*

4. *Idem.*, pp.295-9



پایان این دوره انجام شود. از سوی دیگر، در *براهمه پورانه*<sup>۱</sup> آمده است که تنها سه روز اول ناپاکی باید رعایت شود؛ اما عده‌ای دیگر مانند همسپدی<sup>۲</sup> و سولاپانی<sup>۳</sup> معتقدند در صورتی که زن بیوه بخواهد همراه با شوهر خود رسم سستی را اجرا کند، نباید دوره ناپاکی را رعایت کند، و در صورتی که بخواهد بعداً سستی را انجام دهد، باید سه روز از دوره ناپاکی را نگه دارد.

سرانجام، راجا رام موهان روی، موفق شد دولت را قانع کند که این رسم را براندازد.<sup>۴</sup>

**نظریه تخم و زمین:** در فرایند تکامل ازدواج "میان‌کاستی"، نظریه تخم و زمین مطرح شد که بر اساس آن مرد، تخم و زن، زمین محسوب می‌شد. پیش از این، اپستمبا، بودایانا و گوتمه از این نظریه سخن گفته بودند. مانو نیز به تبیین این نظریه پرداخته است. مانو در بحث از این نظریه می‌گوید: «فرزند به پدر تعلق دارد و ویژگی‌های او را به ارث می‌برد. بر این اساس است که در ازدواج‌های میان‌کاستی، فرزند به طبقه پدر تعلق پیدا می‌کند. همچنین بر همین اساس است که ازدواج "پرتیلومه" مورد پذیرش نیست.<sup>۵</sup>

نارده<sup>۶</sup> می‌گوید: «طبق قانون تخم و زمین، در صورتی که مردی با پرداخت پول به منظور تولیدمثل با زنی ارتباط برقرار کند، فرزندی که از این ارتباط حاصل می‌شود به آن مرد تعلق دارد. اما اگر بهایی پرداخت نشود، آن فرزند به شوهر شرعی آن زن تعلق دارد. اگر تخمی بدون اجازه صاحب زمین در زمین پاشیده شود، محصول آن تخم به صاحب بذر نمی‌رسد و به صاحب زمین تعلق می‌گیرد. اما اگر بذر با رضایت صاحب زمین پاشیده شود، محصول به طور مشترک به صاحب بذر و

1. *Brāhma purāna*
2. Hamespadi
3. Sulapāni
4. Idem., pp.330-2
5. Idem., pp.184-5
6. *Nārada*

صاحب زمین تعلق خواهد گرفت. این مسأله نشان می‌دهد که در زمان نارادا خرید و فروش زن امری رایج بوده است.<sup>۱</sup>

همه حکما برآنند که فرزندان ذکور زن به سرور وی تعلق دارند. اما واژه "سرور" در متون مقدس معانی مختلفی دارد: عده‌ای به وجود آورنده فرزند را سرور می‌دانند و برخی دیگر صاحب خاک را سرور می‌دانند. بر اساس سنت مقدس، زن، خاک و مرد، بذر نامیده می‌شود و محصول، از آمیزش بذر و خاک به وجود می‌آید. در بعضی موارد بذر و در بعضی موارد، زهدان زن برتری دارد، اما هنگامی که این دو مساوی باشند، فرزند مطلوبترین وضعیت را پیدا می‌کند. همانگونه که درباره گاو ماده، اسب ماده، شتر ماده و کنیز، ایجادکننده فرزند مالک وی نیست، درباره زن نیز چنین است. کسانی که فقط دانه در اختیار دارند و آن را در زمین دیگران می‌پاشند، از محصول آن بهره‌ای نخواهند گرفت. همانطور اگر گاو نر کسی صد گاو ماده دیگران را آبستن کند، گوساله‌های به دنیا آمده به صاحبان گاوهای ماده تعلق دارند.<sup>۲</sup>

**ازدواج‌های حرام:** یکی از مسائل مهم در ارتباط با ازدواج، حرمت ازدواج در میان بعضی از خویشاوندان است. موارد چنین حرمتی با تفاوت‌هایی در همه ادیان وجود دارد و درحقیقت، وجود چنین حرمتی در ازدواج، نظامی از ارزش‌ها را به وجود می‌آورد که دامنه آن خانواده و جامعه را در برمی‌گیرد. بر همین اساس است که کیفیت روابط و تعامل افراد در درون خانواده و در بین خویشاوندان و در سطحی وسیع‌تر در کل جامعه تنظیم می‌شود. کتب مقدس هندویی، ازدواج میان اخلاف یک جد مشترک (سپیندا) تا هفت نسل ذکور و پنج نسل اناث را حرام می‌دانند. متون اسمریتی به صراحت چنین ازدواج‌هایی را حرام می‌دانند: همسران پدر، مانند مادرند

1. Jolly, Julius, op.cit., p.176

2. Buhler, George, op.cit., pp.333-6

و برادران ایشان، همچون دایی و دخترانشان، بسان خواهرند؛ بنابراین، نمی‌توان با ایشان ازدواج کرد.<sup>۱</sup>

**زنا:** تلقی هندوها از زنا بر ماهیت زن و ازدواج مبتنی است. در ادبیات هندویی نسبت به ثبات و وفاداری زن بدبینی وجود دارد و از افراط‌کاری‌های لجام گسیخته او شکایت به میان می‌آید. نظام چندزنی که از زمان‌های باستان در کنار تک‌همسری در هند مطرح بود و بی‌حرمتی روا داشته شده نسبت به زن در این نظام‌ها، به ناچار می‌بایست به وقوع زنا منجر شده باشد. از سوی دیگر، گاهی دیده می‌شود که به سبب همین کم‌ارزش دانستن زن، قضاوت درباره او در امر زنا با تسامح صورت می‌گیرد. از آنجایی که شریعت هندو از اساس طلاق را برای زن و مرد جایز نمی‌داند، زنا جرمی بزرگ محسوب می‌گردد و در واقع دادگاه تنها هنگامی در این مسأله دخالت می‌کند که مرد بدون کمک، از کنترل همسر خود ناتوان باشد. به شهادت ریگ‌ودا، در هند باستان مسأله زنا به هیچ وجه مطرح نبوده است و کلمه "زنا" در ود/ کاربرد ندارد. زنانی که به شوهران خود خیانت کرده‌اند، در ریگ‌ودا/ به شیوه‌ای مقایسه‌ای ذکر می‌شوند: افراد شریر و بدکار که در راه‌های بد گام برمی‌دارند، مانند زنانی هستند که به شوهران خود خیانت می‌کنند؛ اینان حتماً به وسیله اگنی داوری خواهند شد.<sup>۲</sup>

اما در دوره‌های متأخر، قانون ازدواج ترقی کرد و این تنها در شرایطی بود که نظرات روحانیون درباره زنا تغییر کرد. بر این اساس، زنا برای نظام کاستی که توسط برهمنان تأسیس شده بود، خطرناک تلقی شد و به منظور شفاف‌کردن این موضوع، تلاشی از طریق مجازات‌های شدید صورت گرفت. بر اساس دیدگاه تمایز طبقاتی، زنا در متون اسمریتی مورد تأکید قرار گرفته است. اگر زنی به شوهر خود خیانت کند، خدا اراده خواهد کرد که او توسط سگان بیابان تکه‌تکه شود و مرد متجاوز بر

1. Raghunatha, R. Rao, op.cit., pp.154/161-3

2. Cf. Fick, R., «Adultery Hindu», *ER E*, vol.1, p.128

روی آهن گذاخته، خواهد سوخت. این موارد که در مجازات زنا ذکر شد، متفاوت از مجازاتی است که در دوره‌های بعد وضع شده است. جرمی که بسیار سنگین است و مجازات شدیدی در پی دارد، تنها ارتباط زن برهنه با مردی از طبقات پایین‌تر است. این مطلب در متونی از مه‌بهارته وجود دارد: اگر زنی شوهر شریفتر خود (یعنی برهنه) را ترک کند و با مردی از طبقه پایین‌تر ازدواج کند، خدا اراده خواهد کرد که توسط سگان بیابان تکه‌تکه شود. اگر مردی از طبقه پایین‌تر با زنی از طبقه بالاتر ارتباط جنسی داشته باشد، مستحق مرگ خواهد بود.<sup>۱</sup>

مجازات‌ها در مانو نیز بر اساس طبقه فرد خطاکار درجه‌بندی می‌شود. مثلاً اگر مردی از طبقه شودره با زنی از سه طبقه برتر زنا کند، اموال او ضبط و اندام مردانگی اش قطع می‌گردد. در صورتی که آن زن شوهر داشته باشد، مجازات مرد خطاکار شودره، مرگ است. درباره زنا‌ی مردی از طبقه وایشیه و یا کشتیه با زنی از طبقه برهنه، مجازاتی مشابه اعمال می‌گردد یا آنکه به جای این مجازات، مرد زناکار باید جریمه پرداخت کند و سرش تراشیده شود. اگر برهنه عمل مشابه انجام دهد، تنها باید جریمه پرداخت کند که مقدار آن نیز از جریمه‌ای که یک کشتیه پرداخت می‌کند کمتر است.<sup>۲</sup>

مانو همچنین می‌گوید: «مردی که با زن دیگری زنا کند، باید توسط شاه چنان مجازات شود که باعث ترس دیگران شود؛ پس از آن باید از آنجا اخراج شود.» ویسیشته<sup>۳</sup> می‌گوید: «مردی که زن مرد دیگری را برآید باید کشته شود و کشتن او جرم محسوب نمی‌شود.» زنا از سوی اکثر شارعان گناهی بسیار بزرگ تلقی می‌شود. مانو درباره مجازات زن زناکار می‌گوید: «اگر زنی برخلاف میل خود مورد تجاوز قرار گرفت، باید او را در خانه نگاه داشت. او باید بر روی زمین بخوابد و از

---

1. Lok.cit

2. Idem., pp.129-30

3. Visishta

حداقل امکانات برخوردار گردد. اگر مردی که تجاوز کرده از طبقه برابر باشد، زن باید توبه کند. اما اگر مرد تجاوز کننده از طبقه پایین تر باشد، زن باید بمیرد. اما اگر زن خود باعث وسوسه مرد شود باید بینی، لبها و گوشهای او بریده و سپس در آب انداخته شود و یا در انظار عموم توسط سگان تکه تکه گردد.<sup>۱</sup> یجنولکیه درباره زنی که برخلاف میلش مورد تجاوز قرار گرفته، می گوید: « باید به او لباسهای کثیف پوشاند و تنها در حدی به او غذا داد که بتواند زنده بماند.»<sup>۲</sup> اگر زنی به خانه مردی برود و با اغواگری شهوت وی را برانگیزد، باید مجازات شود و برابر نیمی از آن مجازات نیز متوجه مرد می گردد.<sup>۳</sup>

از نظر براهسپتی زنا به سه گونه است: دو نوع اول به ترتیب با تجاوز به عنف و اغفال، و سومی با هوی و هوس و شهوترانی ارتباط دارد. اگر مردی در خفا با زنی به رغم میل باطنی وی و یا در حال خواب و یا ناهوشیاری همبستر شود، مرتکب تجاوز به عنف شده است. اما اگر مردی با بهانه ای واهی زنی را به خانه خود ببرد و پس از مست ساختن وی با او ارتباط برقرار کند، این امر مصداق زنا بر اساس اغفال محسوب می شود. اما هنگامی که مردی با زنی به تبادل نگاه و پیام بپردازد و با وی همبستر شود، این امر مصداق زنا ی هوس آلود خواهد بود. از میان این سه گونه زنا، جریمه زنا ی نوع اول سبک تر و جریمه نوع سوم سنگین تر از جریمه متعلق به انواع دیگر زنا است. بیشترین جریمه نقدی متوجه مردی است که با زنی از کاست خود زنا کند و نصف آن جریمه، متعلق به مردی است که با زنی از کاستی پایینتر از کاست خود زنا کند. اما اگر مردی با زنی از کاست بالاتر زنا کند، مجازات وی مرگ است.

1. Sengupta, Nilakshi, op.cit., p.155

2. Chatterjee Nath, Krishna, op.cit., p.234

3. Jolly, Julius, op.cit., p.363

نارادا می‌گوید: « اگر مردی با زنی در خانه‌ای غیر از خانه خود آن زن و به رغم میل او با وی همبستر شود، این امر زنا تلقی می‌شود و فرزند حاصل نامشروع است، اما اگر زن به این کار راضی باشد، این ارتباط مصداق زنا نخواهد بود.»<sup>۱</sup>

### آداب ازدواج

آداب و رسوم مربوط به ازدواج و چگونگی برگزاری آنها، در هر جامعه‌ای با اخلاقیات، روحیات و اعتقادات آن ارتباط دارد. اما آنچه در همه این ادیان و جوامع مشترک است، این است که والاترین مفاهیم دینی مانند خلقت، پرستش، نیایش، ایثار و وفاداری، به بهترین نحو در آئین ازدواج تجلی می‌یابند و بعضی از این مفاهیم در ازدواج به خوبی نماد پردازی می‌شوند: غسل عروس و داماد نماد بی‌آلایشی و خلوص ایشان است؛ حلقه، نشان پایبندی و وفاداری است؛ قرار گرفتن دست‌ها عروس و داماد در یکدیگر، علامت اتحاد و یک دلی است. سادگی یا پیچیدگی برگزاری مراسم ازدواج در هر دینی به نوع نگرش آن دین به مفهوم ازدواج بستگی دارد: در دین هندویی، که ازدواج بر تجرد رجحان دارد و انجام آن تکلیفی دینی به حساب می‌آید، ازدواج با آداب و تشریفات بیشتری برگزار می‌شود.

**مراسم ازدواج در دوره ودایی - خواستگاری:** در فرایند پیوند زناشویی اولین کار، انتخاب دختر به عنوان همسر توسط مرد است. پس از انتخاب عروس، طی مراسمی عروس و داماد دست یکدیگر را می‌گیرند. در مرحله همسرگزینی، هر مرد بهتر است از کاست خود زنی را اختیار کند و بر همین اساس، برای زن بهترین شوهر کسی است که از کاست خود باشد.<sup>۲</sup>

خواستگاران جهت مذاکره نزد پدر عروس می‌روند و با خود میوه، گل، غله و یک ظرف آب می‌برند. که همگی نماد باروری هستند. وقتی که مذاکرات به نتیجه

1. Lok.cit.

2. Jolly, Julius, op.cit., p.165

رسید و دو طرف ابراز رضایت کردند، به ظروف محتوی پیشکشی‌ها دست می‌زنند و روحانی مربوط به خانه عروس، ظرف‌ها را روی سر عروس می‌گذارد.<sup>۱</sup>

پدر یا قیم عروس نیز دو تن از دوستان نزدیک و خردمند خود را به خانه داماد می‌فرستد تا در این باره تصمیم بگیرند. سپس طرفین عروس و داماد در حضور شاهدان یکدیگر را ملاقات می‌کنند.<sup>۲</sup> پس از آنکه پدر عروس رضایت خود را نسبت به ازدواج اعلام کرد، داماد به قربانی‌گزاری می‌پردازد. داماد به این منظور فضایی را آماده می‌کند که در طرف جنوبی آن برای نیاکان و در طرف شمالی آن برای خدایان قربانی می‌گزارد. سپس باید از شمال تا جنوب این مکان آب پاشی گردد.<sup>۳</sup>

اما اگر مردی نتوانست دختری را برای همسری پیدا کند، باید از یک آتشدان، زمین شخم زده شده، یک حوضچه، یک اصطبل، محلی که چهار جاده با یکدیگر تلاقی می‌کنند، یک محل قمار، محلی که در آن جنازه‌ها سوزانده می‌شوند، و از یک زمین بایر، خاک بردارد و بخشی از هر یک از این ۸ خاک را با یکدیگر بیامیزد تا ۹ بخش به وجود آید. سپس آنها را بدست گرفته و به نزد دختری برود. آنگاه باید نام آن دختر را بر زبان بیاورد و بگوید یکی از این ۸ قسمت را برگیرد. اگر آن دختر یکی از چهار بخش اول را برداشت، باید با او ازدواج کند. البته برخی برآنند که چنانچه دختر آن بخش ترکیبی را برداشت نیز باید به عقد ازدواج آن مرد درآید.<sup>۴</sup> مراسم ازدواج در دوره ودایی ساده برگزار می‌شد. در عروسی، عروس با آبی که از سروده‌های ودایی بر آن خوانده‌اند، غسل می‌کرد.<sup>۵</sup>

یکی از مهمترین مراسم پیش از ازدواج که در *تهروه ود*<sup>۶</sup> آمده است، غسل عروس است. در *تهروه ود* توصیه شده است که برهنه آب غسل عروس را تهیه

1. Sengupta, Nilakshi, op.cit., p.38

2. Raghunatha, R. Rao, op.cit., p.16

3. Senghupta, Nilakshi, op.cit., p.39

4. Oldenberg, Herman, op.cit., pp.42-3; Cf. Senghupta, Nilakshi, op.cit., p.36

5. Chatterjee Nath, Krishna, op.cit., p.195

6. *Atharva Veda*

کند.<sup>۱</sup> عروس دستمالی بر سر می‌اندازد. پس از آن، در حالی که از قطعات *ودها* می‌خواند لباس می‌پوشد، آنگاه مراسم اصلی آغاز می‌شود.

یکی از آدابی که در این مراسم انجام می‌شود، گردیدن به دور صخره است.<sup>۲</sup> این مراسم مربوط به *اتهروه ود* است و در *ریگ‌ودا* نیامده است. در این مراسم عروس و داماد به گرد صخره می‌گردند و آرزوی فرزند و عمر دراز می‌کنند.<sup>۳</sup> سپس عروس پای خود را بر روی صخره می‌گذارد. داماد دست عروس را می‌گیرد و منتره‌های *ودایی* برای دور کردن شیاطین خوانده می‌شود. آنگاه عروس باید به همراه داماد در برابر آتش مقدّس بنشیند و نیایش کند. سپس دربارهٔ عروس دعا می‌شود که خوشبخت شود، برای خانواده خدمت کند و صاحب فرزندان گردد. مراسم زفاف بلافاصله پس از انجام مراسم عروسی انجام می‌شود. در هنگام زفاف قطعاتی از *ودا* خوانده می‌شود. در پایان جامه‌های عروس و داماد به فرد روحانی داده می‌شود تا ارواح خبیث را از آنها دور کند. سپس فرد روحانی اورادی را بر عروس و داماد می‌خواند. این مراسم کم و بیش در *ریگ‌ودا* و *اتهروه ود* به صورت مشابه وجود دارد و تنها در بعضی موارد در *اتهروه ود* زمان ترتیب مراسم متفاوت است. گرفتن دست عروس توسط داماد، مهمترین بخش مراسم عروسی است.<sup>۴</sup>

#### مراسم ازدواج در دورهٔ سوتره‌ها - توسعه ادبیات سوتره‌ای در دورهٔ ۵۰۰

پیش از میلاد تا ۲۰۰ پیش از میلاد صورت گرفته است. آداب و شعائری که در *دهرمه سوتره‌ها* آمده است به دورهٔ ودایی بازمی‌گردد، اما در اینجا از قوت و انسجام بیشتری برخوردار است. بر اساس *دهرمه سوتره‌ها* مراحل ازدواج، با مخاطراتی همراه است که باید آنها را با اعمال جادویی دفع کرد.<sup>۵</sup>

1. Senghupta, Nilakshi, op.cit., p.18

2. Chatterjee Nath, Krishna, op.cit., p.195

3. Senghupta, Nilakshi, op.cit., p.18

4. Chatterjee Nath, Krishna, op.cit., pp.196-7; Cf. Senghupta, Nilakshi, op.cit., p.165

5. Senghupta, Nilakshi, op.cit., p.28



آداب و رسوم ازدواج، روز عروسی و ترتیب آنها در دهرمه سوتره‌هایی مانند سنگھیانه<sup>۱</sup>، آپستمبه<sup>۲</sup>، کادیره<sup>۳</sup>، پراسکاره<sup>۴</sup>، گبھیله<sup>۵</sup>، اسولایانه<sup>۶</sup>، مانوه<sup>۷</sup> و هیرنیه کیشین<sup>۸</sup> مطرح شده‌اند. این آداب و رسوم و ترتیب آنها در این دهرمه سوتره‌ها تقریباً به طور مشابه آمده است. ما در اینجا براساس این دهرمه سوتره‌ها این آداب و رسوم را می‌آوریم و به ذکر موارد خاصی که در بعضی از این دهرمه سوتره‌ها - و نه در همه آنها - مطرح شده است، می‌پردازیم:

(۱) **انتخاب روز فرخنده:** در مرحله همسرگزینی، مرد روز فرخنده و مبارکی را برای خواستگاری انتخاب می‌کند تا بدین وسیله فرایند ازدواج، آغاز خوش و میمونی داشته باشد.

(۲) **انتخاب عروس:** همان طور که پیش‌تر گفتیم، مسأله مهم در انتخاب عروس این است که عروس در وهله اول، باید از کاست خود مرد و چنانچه میسر نبود، از کاست‌های پایین‌تر وی باشد. اما اگر در نهایت نتوانست برای خود همسری بیابد، باید به همان روشی که پیشتر توضیح دادیم، یعنی آمیزش هشت نوع خاک، دختری را برگزیند.

(۳) **خواستگاری و مذاکرات جهت ازدواج:** در دوره ودایی، مرد اگرچه همسر خود را از پدر یا قیم وی خواستگاری می‌کرد، اما عقیده بر آن بود که در حقیقت این خدایان هستند که دختر را به مرد می‌دهند. اما در دوره سوتره‌ها مرد، دختر را از پدر یا قیم وی خواستگاری و دریافت می‌کند. از آنجا که درباره این

- 
1. *Sanghayāna*
  2. *Āpastamba*
  3. *Kādira*
  4. *Pārāskāra*
  5. *Gobhila*
  6. *Eśvalāyāna*
  7. *Mānava*
  8. *Hiranyakeśin*

مسأله در بخش آداب ازدواج دوره ودایی سخن گفتیم، از تکرار آن صرف نظر می‌کنیم.

۴) **قربانی‌گزاری توسط داماد:** پس از مذاکرات و موافقت پدر یا قیم عروس، داماد در حضور آتش به قربانی‌گزاری می‌پردازد و خوراکی‌هایی را که خود آماده کرده است، به آتش تقدیم می‌کند.

۵) **رقص زنان:** پس از قربانی‌گزاری، زنان خویشاوند عروس و داماد به رقص و پایکوبی می‌پردازند.

۶) **غسل:** در دهرمه‌سوترها توصیه شده است که عروس در ابتدای مراسم عروسی غسل کند؛ چرا که فرض بر این است که عروس تحت تأثیر ارواح خبیث قرار دارد و این آب آنها را دور می‌سازد. هرچند این مراسم برای اولین بار در *تهره‌وه ود/ آمده*، و در *ریگ‌ود/* از آن ذکری به میان نیامده است، اما باید گفت که در دوره‌های اولیه نیز چنین رسمی معمول بوده است. در *دهرمه‌سوترها* آمده است که داماد برهمنان را به منظور تهیه آب غسل عروس می‌فرستد. این آب توسط یکی از دوستان عروس باید سه بار بر سر او ریخته شود، به طوری که تمام بدن او خیس گردد. امروزه غسل پیش از عروسی از اهمیت زیادی برخوردار است و در بیشتر نواحی هندوستان عروس و داماد پیش از ازدواج غسل می‌کنند.<sup>۱</sup>

۷) **لباس پوشاندن و تدهین عروس:** پس از غسل، داماد جامه ای نو به عروس تقدیم می‌کند و پس از نیایش او را تدهین می‌کند. عروس نیز پس از رفتن به خانه داماد او را تدهین می‌کند.<sup>۲</sup>

۸) **مراسم دست‌گیران:** مراسم دست در دست هم گذاشتن، درباره ازدواج‌هایی که میان کاست‌های برابر صورت می‌گیرد، مجاز است. اما درباره ازدواج‌هایی که در بین کاست‌های ناهمگون صورت می‌گیرد قانون ذیل صادق است:

1. Senghupta, Nilakshi, op.cit., pp.39/40-5

2. Lok.cit.

در صورتی که دختری از طبقه کشتریه با مردی از طبقه بالاتر ازدواج کند، باید تیری در دست بگیرد و چنانچه، دختری از طبقه وایشیه با مردی از طبقه بالاتر ازدواج کند، باید سیخکی در دست بگیرد و اگر دختری از طبقه شوده با مردی از طبقه بالاتر ازدواج کند، باید لبه جامه داماد را بگیرد<sup>۱</sup>.

۹) **نیایش عروس:** در مانوه<sup>۲</sup> آمده است که عروس، هنگام عزیمت از خانه پدری به خانه داماد باید به نیایش بپردازد<sup>۳</sup> و از خدایان، خوشبختی و فرزندان نیکو مسألت کند.

۱۰) **سفر عروس به خانه داماد:** عروس پس از نیایش، همراه با داماد بر ارابه‌ای که با گل تزیین شده است سوار می‌شود. در این ارابه، آتش مقدس قرار داده می‌شود که در طول راه باید برافروخته بماند. این آتش، ارواح خبیث را که ممکن است در طول راه متعرض عروس و داماد شوند، دفع می‌کند. علاوه بر آتش افروخته، آنچه باعث دور داشتن ارواح خبیث می‌گردد، منتره‌هایی است که عروس و داماد در طول راه می‌خوانند.<sup>۴</sup>

۱۱) **استقبال از عروس در خانه داماد:** پای عروس در هنگام ورود به خانه داماد، نباید با چارچوب در تماس پیدا کند. او باید به کمک خویشاوندان از چارچوب در عبور کند و فرد روحانی نیز باید این نکته را به ایشان خاطر نشان کند.<sup>۵</sup>

۱۲) **گردیدن به دور آتش و پا نهادن بر روی صخره:** در این هنگام، عروس دست داماد را می‌گیرد و به اتفاق هم سه دور گرد آتش می‌گردند و در هر بار، داماد

---

1. Buhler, George, op.cit., p.83  
2. *Mānava*  
3. Senghupta, Nilakshi, op.cit., p.171  
4. Idem., p.23  
5. Idem., p.63

از عروس می‌خواهد که پای راست خود را بر روی صخره بگذارد. سپس عروس و داماد غله خشک به آتش تقدیم می‌کنند.<sup>۱</sup>

اما بر اساس *ماناوا*، عروس و داماد چهار بار به دور آتش می‌گردند و در هر بار، عروس و داماد هر دو، پای راست خود را بر روی صخره می‌گذارند.<sup>۲</sup> این مراسم مربوط به *تهروه ودا* است و در *ریگ‌ودا* نیامده است.<sup>۳</sup> این عمل نماد وفاداری و پابندی عروس نسبت به داماد و نیز استواری پیوند ایشان است.<sup>۴</sup>

۱۳) **برداشتن هفت گام:** در این مرحله، داماد از عروس می‌خواهد که هفت قدم به طرف شمال شرقی بردارد و در هر گام متره‌ای بخواند.<sup>۵</sup> این رسم نماد برابری و دوستی است.<sup>۶</sup> عروس و داماد هر یک از این هفت گام را به منظور خاصی برمی‌دارند:

گام اول برای سلامتی، گام دوم به منظور شادی و سرور، گام سوم به جهت کسب مال و مکنت، گام چهارم برای راحتی و آرامش، گام پنجم به منظور به‌دست آوردن گله، گام ششم برای جشن‌ها و اوقات خوش، و گام هفتم جهت خوشی و سعادت.<sup>۷</sup>

۱۴) **نشستن عروس بر پشت گاو نر:** در این مرحله، عروس را بر پشت گاو نر سرخ مویی می‌نشانند و به او میوه می‌دهند. این امر، نماد باروری است. در صورتی که عروس آرزو داشته باشد که اولین فرزندش پسر گردد، پسربچه‌ای را در دامان او می‌نشانند.<sup>۸</sup>

- 
1. Idem., p.48
  2. Idem., p.88
  3. Idem., p.18
  4. Idem., p.26
  5. Idem., p.48
  6. Kapadia, K. M, op.cit., p.251
  7. Oldenberg, Herman, op.cit, p.38
  8. Senghupta, Nilakshi, op.cit., p.64

۱۵) **نگریستن به ستاره قطبی:** پس از نشستن عروس بر پشت گاو نر، عروس و داماد باید تا طلوع ستاره قطبی ساکت بنشینند. با ظاهر شدن ستاره قطبی، داماد آن را به عروس نشان می‌دهد و می‌گوید: «نسبت به من وفادار باش.» آنگاه عروس می‌گوید: «من ستاره قطبی را می‌بینم، باشد که از تو صاحب فرزند شوم.»<sup>۱</sup>

۱۶) **زفاف:** زفاف آخرین مرحله ازدواج است.<sup>۲</sup> این مراسم در شب پنجم عروسی یا شب‌های پس از آن انجام می‌گیرد.<sup>۳</sup> اما *پاراسکارا* در این باره می‌گوید: «عروس و داماد باید به مدت یک سال یا دوازده شبانه‌روز یا شش شبانه‌روز یا دست کم سه شبانه‌روز، از ارتباط جنسی بپرهیزند.» از نظر او ایشان در این مدت باید از خوردن غذاهای نمکین اجتناب کنند و بر روی زمین بخوابند.<sup>۴</sup> پس از این مدت عروس، به بستر زفاف می‌رود. بعد از شب زفاف طی مراسم، لباس‌های عروس برای تطهیر، به فرد روحانی داده می‌شود.<sup>۵</sup>

*پاراسکارا* در فصل ۹ می‌گوید: «در شب زفاف یعنی پس از غروب آفتاب و پیش از طلوع آفتاب روز بعد، آتش مقدس باید برافروخته شود.»<sup>۶</sup> همانجا در فصل ۱۱ آمده است: «در شب چهارم، داماد آتش را در خانه برمی‌افروزد و در سمت جنوب آن می‌نشیند و ظرف آبی را در طرف شمال آن قرار می‌دهد. سپس غذایی را که باید به آتش تقدیم شود، می‌پزد و در هنگام تقدیم آن به آتش، اینگونه نیایش می‌کند: «ای آگنی!<sup>۷</sup> آنچه در این زن باعث مرگ شوهر می‌شود، از وی دور کن، ای وایو!<sup>۸</sup> آنچه باعث می‌شود فرزند این زن بمیرد، از وی دور ساز. ای سوریه!<sup>۹</sup> آنچه

- 
1. Oldenberg, Herman, op.cit., p.43
  2. Senghupta, Nilakshi, op.cit., p15
  3. Raghunatha, R. Rao, op.cit., p.53
  4. Oldenbergh, Herman, op.cit., 286
  5. Senghupta, Nilakshi, op.cit., p.18
  6. Idem., p.286
  7. Agni
  8. Vāyo
  9. Sūrya

در این زن باعث از بین رفتن گلّه می‌گردد، از وی دور کن. ای ایندیره<sup>۱</sup>! آنچه در این زن باعث ویرانی خانه می‌گردد، از وی دور کن. ای گندهروه<sup>۲</sup>! آنچه در این زن باعث از بین رفتن نام و شهرت می‌شود، از وی دور کن». داماد با خواندن هر یک از این فرازها دست در ظرف آب می‌کند و بر سر عروس آب می‌ریزد.<sup>۳</sup>

در کادیرا آمده است که پس از انجام این مراسم، عروس باید غسل کند. به این ترتیب با غسل عروس، آداب ازدواج پایان می‌پذیرد.

بد نیست متذکر شویم که در دوران جدید، رسوم دیگری نیز با توجه به بهبود جایگاه زن در جامعه هندی متداول شده است که از آن جمله، دادن حلقه از سوی داماد به عروس است که نماد پیمان زناشویی است. بر این اساس، زن متعهد می‌شود که همواره نسبت به این پیمان ملتزم بماند.

در پایان، متذکر می‌شویم که اهمیت ازدواج در دین هندویی تا آنجاست که این دین، تجرد را وضعیتی نامطلوب و اجتناب از ازدواج را گناه دانسته‌اند، بطوریکه تأکید می‌کند که انجام تکالیف و شعائر دینی مانند قربانی‌گری توسط مرد مجرد از سوی خدایان پذیرفته نمی‌شود.

این دین در مسأله ازدواج همزمان دو هدف تولید مثل و دیگر ارضاء نیازهای عاطفی و جسمانی را دنبال می‌کند. براین اساس، دین هندویی با آن که چند همسری را جایز می‌داند، اما ازدواج تک همسری را به‌ویژه در زمینه تأمین نیازهای عاطفی، بر ازدواج‌های دو یا چند همسری ترجیح می‌دهد.

در آئین هندوئی، روابط زن و مرد تنها در قالب ازدواج مشروعیت دارد و هرگونه رابطه زن و مرد پیش از پیمان ازدواج و یا خارج از آن، زنا تلقی می‌شود و مجازات‌های سنگینی به دنبال دارد. دلیل این امر آن است که روابط خارج از

---

1. Indra

2. Gandharva

3. Oldenbergh, Herman, op.cit., pp.288-9

چارچوب ازدواج، باعث بی بند و باری و در نتیجه ازهم پاشیده شدن خانواده و آشفته‌گی در روابط اجتماعی می‌گردد.

روشن است که بررسی موضوع ازدواج و مسائل مربوط به آن می‌تواند به شناخت بهتر ما از این ادیان کمک کند، چرا که مسائل مربوط به ازدواج بخش مهمی از احکام و اعتقادات این ادیان را تشکیل می‌دهد.

#### منابع

- Brihaspati, Narada, *The Miner Book, S B E*, vol.30, Motilal Banarsidass, Delhi, Oxford University, 1889.
- Buhler, George, *Sacred Laws of the Aryas, Part 2, S B E*, ed., Max Muller, Motilal Banarsidass, Dehli, vol.2, 2001.
- \_\_\_\_\_, vol.14, 2001.
- \_\_\_\_\_, vol.25, 2001.
- Fick, R., "Adultrey Hindu", *E R E*, ed., James Hastings, Charles Scribner's Sons, Edinburgh, vol.1, 1962.
- Jolly, Julius, *The Institution of Vishno, S B E*, ed., F. Max Muller, Motilal Banarsidass, Delhi, vol.30, 1994.
- Jolly, Julius, *The minor Law Books, Part 1, S B E*, ed., F. Max Muller, Motilal Banarsidass, Delhi, vol.33, 1994.
- Kapadia, K. M., *Marriage and Family in India*, Third Edition, Oxford University, Calcutta, 1966.
- Oldenberg, Herman, *The Grihya Sutras, S B E*, ed., F. Max Muller, Motilal Banarsidass, Delhi, vol.29, 1997.
- Raghunatha, R. Rao, *The Aryan Marriage*, Cosmo, Delhi, 1975.
- Sengupta, Nilakshi, *Evelusion of Hindu Marriage*, Bomby Popular Prakashan, 1965.